رهبری سازمان چریکها به نوکران روس تسلیم شد

رهبری "سازمان چریکهای فدایی خلق" درسرمقاله نشریه "کار" شماره ۵۹، خطاب به اعضاء وهواداران خودمیگوید: "امروزوظیفه تک تک اعضاء و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران است که با قاطعیت وایمانی استوار به میان مردم بروندوآنان را از حقایق آگاه سازندوطریق درستی راکه بایددرپیش گیریم تبلیغ وترویج نمایند." (کارشماره ۵۹).

اشاره به "طریق درستی" که بایددرپیش گرفته شود، شیپوری است که رهبری چریکها بعدا درآورده وباآن تغییرات جدیدی را درمواضع خودا علام میکنند وبگوش اعضاء وهواداران می رسانند.

اما این مواضع جدیدکه اعضاء وهواداران چریکها میبایست "مردم را ازآن آگاه کنند" کدامست؟

درهمان نوشته رهبری چریکها اساس این تغییرات را روشن میکنندکه عبارتست ازارزیابی جدیدی ازحکومت ایران واتخاذسیاستهای مناسبی که برای اوضاع کنونی ضرورت دارد. بعبارت دیگر

رهبری سازمان چریکهای فدایی که ازفردای پیروزی انقلاب موضع خصمانه ای نسبت به حکومت ایران اتخاذنموده بودوروحانیت وحکومت را مرتجع ووابسته به امپریالیسم آمریکا معرفی میکرد، وهیچگاه ازسرنگونی رژیم وابسته فاشیست شاه وبرقراری رژیم جمهوری اسلامی بعنوان انقلاب یادنکرد، امروزدرباره ماهیت حکومت منبعث ازانقلاب اسلامی ایران مینویسد:

"حکومت کنونی هم چنانکه بارها اعلام داشته ایم حکومتی وابسته نبوده ونیست."

ویارهبری سازمان چریکهاکه درجنگ افروزیهای کردستان، ترکمن صحرا و... مستقیما" دخالت داشت و حتی شعار "ایران را سراسر کردستان میکنیم" را شعار روزخودقرارداد، امروز دراین باره مینویسد:

"ما مصمیم که بیش ازپیش برای استقرارصلح در کردستان وجلوگیری ازگسترش دامنه جنگ دراین منطقه تلاش کنیم."

دلیل این تغییرات ناگهانی درمهم ترین مواضعی که یکسال واندی رهبری سازمان چریکها بروی آن پافشاری کردندوبا اتخاذ چنین سیاستی گذشته ازبه هرج و مرج کشیدن مملکت وتضعیف حکومت انقلاب، خون صدها جوان راکه فریب این ناخلف رهبران راخورده بودند بربادداده اند چیست؟ آیا این حرکت جدیدرهبری چریکها گامی مثبت وتحولی به جلو است ویا گامی بعقب وبسوی قهقرای ننگین وابستگی؟

اگربظاهرمسئله اکتفا شوداین تجدیدنظردرمواضع مثبت جلوه میکند، اما اگر به کنه مسئله توجه گردد روشن می شود که داردوستنه رهبری چریکهای فدایی اگر چه درظاهرازهرج ومرج طلبی دست میکشند، اما انگیزه آنان این است که بتوانند بهمراه باند کیانوری شریک فعال تری برای اجرای نقشه حاکم ساختن روسیه برایران بشوند ودراجرای برنامه کودتای روسی درایران نقش مهم تری را برعهده گیرند.

برای روشن شدن این امرمیبایست بیک تغییر موضع مهم دیگررهبری سازمان چریکها نیزکه کاملا با این تغییراخیرمرتبط است توجه کرد.

چندی پیش بودکه رهبری سازمان چریکها بعدازمدتها کجدارو مریض، مواضع انتقادی سازمان چریکها درباره روسیه رانیز تغییردادندوباتائیدعلنی و رسمی اشغال نظامی افغانستان توسط روسیه (که بنابظاهرمسئله اکتفا شود این تجدیدنظردرمواضع مثبت جلوه میکند، اما اگر به کنه مسئله توجه گردد روشن می شود که داردوستنه رهبری چریکهای فدایی اگر چه درظاهرازهرج ومرج طلبی دست میکشند، اما انگیزه آنان این است که بتوانند بهمراه باند کیانوری شریک فعال تری برای اجرای نقشه حاکم ساختن روسیه برایران بشوند ودراجرای برنامه کودتای روسی درایران نقش مهم تری را برعهده گیرند.

برای روشن شدن این امرمیبایست بیک تغییر موضع مهم دیگررهبری سازمان چریکها نیزکه کاملا با این تغییراخیرمرتبط است توجه کرد.

چندی پیش بودکه رهبری سازمان چریکها بعدازمدتها کجدارو مریض، مواضع انتقادی سازمان چریکها درباره روسیه رانیز تغییردادندوباتائیدعلنی و رسمی اشغال نظامی افغانستان توسط روسیه بوجسته ای درمواضع چریکهای فدایی محسوب میشدوازاهمیت زیادی برخوردارربود. زیرا درآنزمان که باندکیانوری بدستورکرملین برای تدارک کودتا درصدد تشکیل یک جبهه متحدازوابستگان وهواداران روسیه بودوبرای این مقصود توجه خاصی نسبت به رهبری سازمان چریکها داشت، اعلام موضع چریکها درباره اشغال افغانستان چراغ سبزی برای باندکیانوری محسوب می شد. بهمین جهت باندکیانوری در روس نامه "مردم" دراین باره نوشت:

"پشتیبانی نهائی فدائیان ازانقلاب افغانستان" (منظوراشغال نظامی افغانستان توسط روسیه است) گام مثبت وباارزشی درراستای نزدیک شدن به انترناسیونالیسم پیگیرپرولتری محسوب میشود. پیوستن فدائیان به جبهه مبارزه برای پیوندسرنوشت انقلاب افغانستان باآینده انقلاب ایران، این جبهه را از وزن واهمیت بیشتری درحیات سیاسی جامعه انقلابی ما برخوردارکرده است. ما شادمانی خودرازاین امرپنهان نمی کنیم." ودرآخرخطاب به رهبری سازمان چریکها خاطر نشان کرد:

"دوستان دیرآمدید هنوزهم تردیدداریدواما به جبهه نبردانترناسیونالیستی خوش آمدید." (مردم شماره ۱۷۵)

درآن زمان "رنجبر" طی مقالاتی ماهیت جبهه ای راکه باندکیانوری ازآن نام می بردوخطاب به رهبری چریکها درباره پیوستن به این جبهه خوش آمدمی گوید افشاء نمود ودراین زمینه نوشت:

میتوان باوضوح کامل معنی نقش "جبهه متحدخلق" دار ودسته کیانوری رادرک کرد: "این جبهه باید تحت رهبری مزدوران مستقیم روسیه، چپ نماها ومسلمان نماهای هوادارروسیه را متحدگرداند." "رنجبر" برروشنی اعلام کردکه "طرح این جبهه ازکرملین صادرشده ودرنقشه سلطه وحاکمیت روسیه برایران نقش مهمی را برعهده دارد."

درآن زمان علیرغم چرخش آشکار رهبری چریکها بطرف مسکو وهم زبانی درمورد اوضاع بین المللی، همانگونه که باندکیانوری اشاره میکند، آنان هنوز "تردیدهایی" داشتند. واین تردیدها عبارت بود از عدم پذیرش سیاستهای مسکو و رهبری حزب توده درمورد مسائل داخلی ایران وموضوع مهم آن یعنی چگونگی برخورد به حکومت جمهوری اسلامی. باین ترتیب ماهیت تغییر موضع اخیر چریکها روشن میشود.

درحقیقت تغییرمواضع جدیدرهبری چریکها چیزی نیست بجز برطرف شدن این "تردید" ها و قبول سیاستهای دیکته شده ازطرف مسکودرباره چگونگی برخوردبه حکومت ایران که بنابمصالح میبایست نرمش پذیرباشد. بی جهت نیست که باندکیانوری درسرمقاله مندرج درکارراردر روس نامه خود چاپ مجددمیکند وازاین تغییر مواضع بعنوان "تغییری مثبت و امیدبخش" یادمیکند. "مردم" شماره ۲۴۳ دراین باره مینویسد:

"ما امیدواریم که این تغییر مثبت وامیدبخش درموضع سازمان چریکهای فدایی خلق دربرخی مسائل اساسی سیاست ایران وجهان (دوزمینه ای که ازآن نام بردیم، یعنی برخورد به حکومت ایران - رنجبر) همه جهات وجوانب سیاست سازمان چریکهای فدایی خلق را دربر گیرد. چنین تغییرمثبت همه جانبه ای میتواندبه امرتحاد نیروهای انقلابی که چریک های فدایی بدرستی آن را یک ضرورت تاریخی میدانند کمک موثر کند." ("مردم" ۲۴۳)

درست بهمین خاطراست که میگوئیم این تغییرموضع حسابگرانه رهبری چریکها برای دریافت چراغ سبز ورود به جبهه متحدکودتای روسی بوده است ونه تصحیح مواضع نسبت به حکومت مرکزی.

باین ترتیب مسکووباند کیانوری درحزب توده درجهت تشکیل جبهه مورد نظر خوش گامی مهم بجلو برداشتند اما روشن است که پیوستن رهبری چریکها وتبعیت آنان ازبرنامه های باند کیانوری بمعنای یکی شدن کامل این دونیست. درچنین صورتی مسئله "جبهه متحد" منتفی بود وآنان درحزب واحدی دورهم جمع میشدند.

این موضوع بدلیل وجودرقابت بین این دو دار ودسته روسی برای پیشی گرفتن از یکدیگر ودرعین حال حفظ نفوذ معینی است که سیاست های چپ روانه رهبری چریکها دربرخورد به دولت دربعضی اقشار ازجوانان بوجود آورده است.

ازاینرو گرچه رهبری چریکهاروی خطوط عمومی از باند کیانوری تبعیت خواهند کرد، اما بطورکامل همانند اودربرخورد به دولت عمل نخواهندکردوبرای جلب نیروسیاست های مکمل وی را درپیش میگیرند. بهمین جهت ادامه جنگ های زرگری بین این دو بطور کامل منتفی نخواهدبود.

این تحولات اخیری که دربین نیروهای وابسته به روسیه درایران صورت گرفته شباهت کامل به همین تحولات دربین نیروهای روسی افغانستان دارد.

احزاب "پرچم" و "خلق" درافغانستان که هردووابسته به روسیه هستند، همواره

اختلافاتی بین خودداشتند واین اختلافات برسرقدرت هیچگاه تمامی نگرفت. اما دولت در آستانه گودتای روسی "توکی" هردواین احزاب تحت فشار روسها متحد شدند وتشکیل یک "جبهه دمکراتیک" رادادند.

تاریخ باردیگردرکشور ما تکرارمیگردد. هشیارباشیم ودربرابر این خطر که بارها ازطرف حزب ما گوشزد شده

دعوای اصلی ملت ما با چریکها نه برسرمقاومت مسلحانه آنها دربرابرحکومت ملی است، بلکه عمدتا برسر وابستگی آنها به روسیه است. چنانچه امروز آنها درقبال حکومت قباعوض کرده وحاضر خواهندبود ازدردوستی واردشده واسلحه راطبق خواست اکثریت ملت به زمین بگذارند. اماآنها درواقع درروابستگی به روسیه

یک قدم بزرگ به پیش گذاشته ودرحقیقت از اسلحه دیگری علیه انقلاب وحکومت استفاده خواهندکرد، اسلحه ای که از "کلاشینکف" و "ژ-۳" به مراتب خطرناکتراست اسلحه توطئه روسی.

ثانیا برخلاف تصورات وتبلیغات غیرواقعی تا کنون بوضوح ثابت گردید که رهبری سازمان چریکها "امریکایی" نبوده بلکه روسی است.

تنها تشخیص درست مساله اساسی یعنی مساله جبهه روسی انقیاد ملی قادراست به خلق ما در مبارزه علیه عمال ابرقدرت روس یاری رساندوتوطئه های این عاملین انقیاد ملی را باشکست مواجه سازد.

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

یکشنبه ۱۱ خرداد ۵۹ شماره ۵۹ تکشماره ۱۰ ریال

محل فروش نشریات:
INTERNATIONALE
Bücher und
Zeitschriften
1 Berlin 12
Knesenbeckstr. 18

خلق
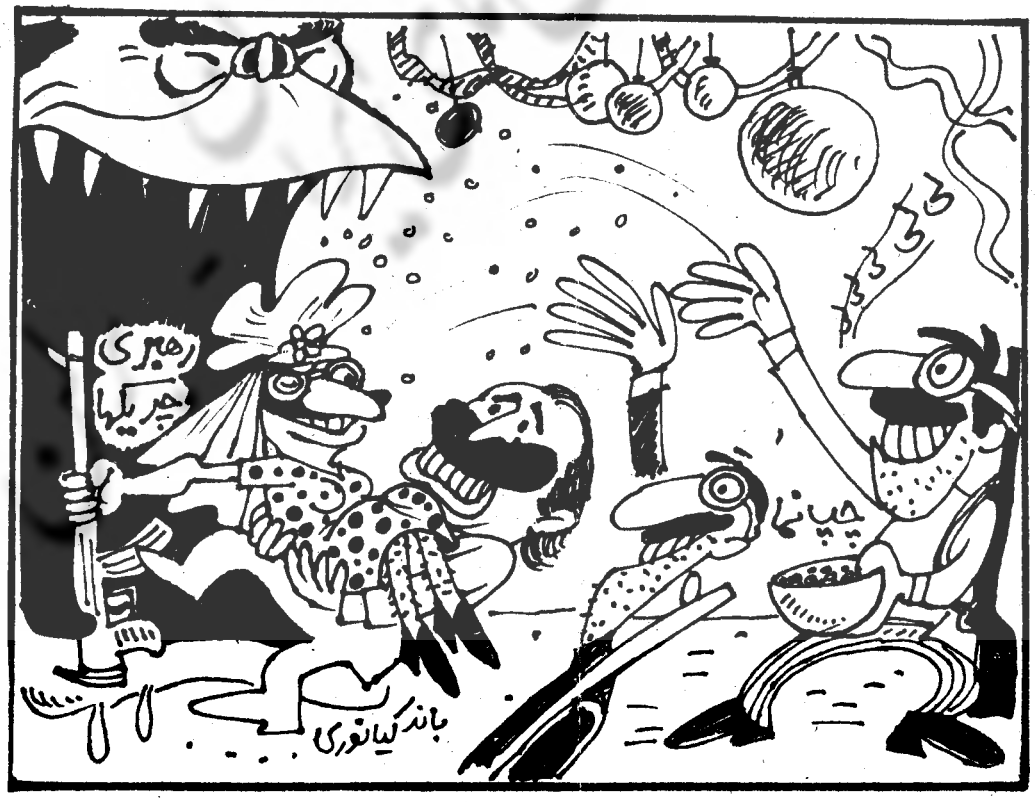
(شماره۳) "ارگان تئوریک ـ سیاسی" حزب رنجبران ایران منتشر شد.